

## تواتر حدیث غدیر از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

حدیث غدیر ، برترین دلیل شیعه بر ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است که با سندهای صحیح و به صورت متواتر از طریق شیعه و سنی نقل شده است ؛ اما در عین حال برخی از علمای اهل سنت که اعتراف به چنین مطلبی برایشان ناگوار و پذیرش چنین حقیقتی سخت بوده ، چشمان خود را بسته و صحت آن را زیر سؤال برده‌اند !

از جمله ابن حزم اندلسی ظاهری که با دفاع از ابن ملجم مرادی ، عداوت خود با امیر مؤمنان علیه السلام را علنی کرده است ، در کتاب الفصل خود می‌نویسد :

وأما من كنت مولاه فعلى مولاه فلا يصح من طريق الثقات أصلاً .

مدیث: من كنت مولاه... به هیچ وجه از طریق افراد ثقه تایید نشده است.

ابن حزم اندلسی ، علی بن أحمد بن سعید بن حزم الطاهری أبو محمد (متوفای 548 هـ) ، الفصل فی الملل والأهواء والنحل ، ج 4 ، ص 116 ، ناشر : مکتبه الخانجی - القاهرة .

و ابن تیمیه حرانی (متوفای 728 هـ) نیز که در انکار فضائل اهل بیت علیهم السلام زبازد عام و خاص است در منهاج السنه می‌نویسد :

وأما قوله من كنت مولاه فعلى مولاه فليس هو فى الصماح لكن هو مما رواه العلماء وتنازع الناس فى

صمته فنقل عن البخارى وإبراهيم المربى وطائفة من أهل العلم بالمديث انهم طعنوا فيه وضعفوه ... .

مدیث: من كنت مولاه... در کتب (روائی صمیع شش گانه آورده نشده است ، بعضی از دانشمندان آن را

روایت کرده‌اند ؛ ولی در صمت آن دچار افتلاف شده‌اند ، از بخاری و ابراهیم مری و گروهی دیگر از اهل دانش

نقل شده است که آنان این مدیث را تضعیف کرده‌اند .

ابن تیمیه الحرانی ، أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ، منهاج السنه النبویه ، ج 7 ، ص 319 ، تحقیق : د. محمد رشاد سالم ، ناشر : مؤسسه قرطبه ، الطبعة الأولى ، 1406 .

و سعد الدین تفتازانی (متوفای 791 هـ) در جواب از حدیث غدیر می‌نویسد :

والجواب منع تواتر الخبر فإن ذلك من مكابرات الشيعة كيف وقد قده فى صمته كثير من أهل المديث ولم

ينقله المحققون منهم كالبخارى ومسلم والواقدي .

جواب ما این است که مدیث غدیر متواتر نیست و این از زورگویی‌های شیعه است ، ؛ زیرا بسیاری از علما

و محققین علم حدیث ؛ از جمله بفاری ، مسلم و واقدی در صمتش اشکال کرده و آن را نقل ننموده‌اند .

التفتازانی ، سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله ، شرح المقاصد فی علم الکلام ، ج 2 ، ص 290 ،

ناشر : دار المعارف النعمانیة - پاکستان ، الطبعة : الأولى ، 1401هـ - 1981م .

## نقد و بررسی :

برای روشن شدن حقیقت مطلب و نیز برای سنجش ارزش سخن ابن حزم ، ابن تیمیه و تفتازانی کافی است که به اعترافات علما و دانشمندان نام آور اهل سنت که در علم حدیث و رجال خبره فن هستند ، در باره حدیث غدیر اشاره شود . طبیعی است که با اثبات صحت و یا تواتر حدیث غدیر و ورود آن در صحاح سته اهل سنت ، میزان تقوی و انصاف این دو دانشمند سنی برای همگان روشن خواهد شد .

ما در ابتدا تواتر حدیث غدیر را از زبان بزرگان سنی نقل و سپس تعدادی از اسناد آن را که علمای رجال سنی به صحت آن‌ها اعتراف کرده‌اند ، خواهیم آورد .

## اعترافات علمای اهل سنت بر تواتر حدیث غدیر :

حدیث غدیر نه تنها سندش صحیح است ؛ بلکه بسیاری از بزرگان اهل سنت تواتر آن را پذیرفته‌اند که ما به نام چند تن از آنان اشاره می‌کنیم :

### 1 . شمس الدین ذهبی (متوفای 748هـ) :

ذهبی ، دانشمند شهیر سنی و از ارکان علم رجال اهل سنت که او را پیشوای جرح و تعدیل نامیده‌اند ، در موارد مختلف به تواتر حدیث غدیر اعتراف کرده است . وی در سیر اعلام النبلا که از معتبرترین کتاب‌های اهل سنت در علم رجال است ، در ترجمه محمد بن جریر طبری ، صاحب تفسیر و تاریخ می‌نویسد :

قلت: جمع طرق حدیث غدیر فم فی أربعة أجزاء رأیت شطره فبهرنی سعةً رواياته وجمعت بوقوع ذلك .

محمد بن جریر طبری اسناد روایت غدیر فم را در چهار جلد جمع آوری کرده است که من قسمتی از آن را

دیدم و از گستردگی روایات آن شگفت زده شدم و یقین کردم که این اتفاق افتاده است .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، سیر أعلام النبلاء ، ج 14 ، ص 277 ،

تحقیق : شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوسی ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة التاسعة ، 1413 هـ .

و در تذکرة الحفاظ و بازهم در ترجمه محمد بن جریر طبری می‌نویسد :

محمّد بن جریر بن یزید بن کثیر الامام العلم الفرد المافظ أبو جعفر الطبری أمد الأعلام وصاحب التصانيف  
من أهل آمل طبرستان أكثر التطواف ... ولما بلغه ان بن أبي داود تكلم في حديث غدیر فم عمل  
كتاب الفضائل وتكلم على تصحيح الحديث .

قلت رأيت مجلدا من طرق الحديث لابن جریر فاندھشت له ولکثرة تلك الطرق .

من یک جلد از کتاب أسناد حديث غدیر را که ابن جریر نوشته بود را دیدم و از زیاد بودن أسناد آن  
گیج و مبهوت شدم .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز ، تذكرة الحفاظ ج 2 ، ص 710 ، رقم : 728 ،  
ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الأولى .

ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفای 774هـ) که از شاگردان ذهبی به شمار می‌رود ، به نقل از استادش می‌نویسد :

قال : **و صدر الحديث متواتر أتيقن أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله ، وأما :**

«اللهم وال من والاه» فزيادة قوية الاسناد .

ابن کثیر دمشقی ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر القرشي ، السيرة النبوية ، ج 4 ، ص 426 و البداية والنهاية ، ج 5 ، ص 214 ،  
ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

ذهبی گفت : این حديث به صورت متواتر نقل شده است و من یقین کردم که از رسول خدا صلى الله عليه

وآله صادر شده است، اما جمله: «اللهم وال من والاه» نیز سندش قوی است .

و شهاب الدين أלוسی (متوفای 1270هـ) صاحب روح المعانی که جایگاه ویژه‌ای در نزد وهابی‌ها دارد ، در تفسیرش می‌نویسد :

وعن الذهبي أن «من كنت مولاه فعلى مولاه» متواتر يتقين أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله وأما

اللهم وال من والاه فزيادة قوية الاسناد .

حديث : «من كنت مولاه فعلى مولاه» متواتر است و به یقین سفن رسول خدا است ؛ اما ادامه آن که

رسول خدا فرمود : فدایا دوست بدار هر که علی را دوست دارد ، نیز سندش قوی است ... .

الألوسی البغدادي ، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود ، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثاني ،  
ج 6 ، ص 195 ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .

## ترجمه ذهبی :

ابن ناصر الدین از مشاهیر قرن نهم ، (متوفای 842 هـ) در باره شخصیت ذهبی می گوید :

الشیخ الامام المافظ الهمام مفید الشام ومؤرخ الاسلام ناقد المحدثین وإمام المعدلین والمجرمین شمس

الدین ... الدمشقی ابن الذهبی الشافعی .

ابن ناصر الدین الدمشقی ، محمد بن أبی بکر ، الرد الوافر ، ناشر : المكتب الإسلامی - بیروت - 1393 ،

الطبعة : الأولى ، تحقیق : زهیر الشاویش .

امام ، مافظ (کسی که بیش از صد هزار حدیث مضاف باشد) مؤرخ و اسلام شناس ، منتقد بر اهل حدیث ، پیشوا

در جرح و تعدیل راویان ومؤلفان ، شمس الدین ذهبی .

و در جای دیگری از همین کتابش می گوید :

وكان آية في نقد الرجال عمدة في الجرح والتعديل عالما بالتفريع والتأصيل إماما في القراءات فقيها في

النظريات له درية بمذاهب الأئمة وأربابا المقالات قائما بين الخلف بنشر السنة ومذهب السلف .

الرد الوافر ، ج 1 ، ص 31 .

در نقد رجال حدیث یگانه بود و در جرح و تعدیل راویان حدیث استاد و در استفاده فروع از اصول دانشمند و در

دانش قرائت‌های قرآن پیشوا و در آراء و انظار فقیه بود . راه ورود به مذاهب چهار گانه و پیشوای همه

اندیشه ها بود، یک تنه در میان معاصرانش به نشر و تبلیغ سنت و مذهب سلفی گری همت گمارد .

و ابن حجر عسقلانی (متوفای 852 هـ) در الدرر الكامنة می نویسد :

قرأت بفتح البدر النابلسی فی مشیفته كان علامة زمانه فی الرجال وأموالهم مدید الفهم ثاقب الذهن وشهرته

تغنی عن الإطناب فيه .

من نوشته‌ای بدر نابلسی را که در شرح حال اساتیدش آورده است خواندن که در باره ذهبی گفته بود : وی در

دانش رجال و حالات راویان و نویسندگان دانش فراوان داشت ، تیز فهم و ذهنی قوی داشت ، شهرت و آوازه

او ما را از توصیف بیشتر بی نیاز می کند .

ابن حجر عسقلانی ، الحافظ شهاب الدین اَبی الفضل أحمد بن علی بن محمد ، الدرر الكامنة فی أعيان المائة الثامنة ، ج 5 ، ص 68 ، تحقیق :  
مراقبة / محمد عبد المعید ضان ، ناشر : مجلس دائرة المعارف العثمانیة - صیدر اباد/ الهند ، الطبعة الثانية ، 1392هـ / 1972م .

و جلال الدین سیوطی (متوفای 911هـ) در باره او می نویسد :

الذهبی الإمام المافظ ممدت العصر وفاتمة المفاظ ومؤرخ الإسلام وفرد الدهر والقائم بأعباء هذه الصناعة

شمس الدین اَبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان قایماز الرکمانی ثم الدمشقی .

ذهبی امام و مافظ ، مدیث گوی زمان و آفرین نفر از مافظان ، مورخ اسلام و یگانه زمان و ... بود .

جلال الدین سیوطی ، عبد الرحمن بن اَبی بکر ، طبقات الحفاظ ، ج 1 ، ص 521 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة الأولى ، 1403 هـ .

## 2 . ابن حجر عسقلانی (متوفای 852 هـ) :

ابن حجر از دانشمندان معروف سنی که به همراه ذهبی یکی از دو رکن اساسی علم رجال اهل سنت به حساب می آید ، در شرح صحیح بخاری ، بسیاری از سندهای حدیث غدیر را صحیح و حسن می داند :

واما مدیث «من كنت مولاه فعلى مولاه» فقد أفرجه الترمذی والنسائی وهو كثير الطرق جداً وقد استوعبها

بن عقدة فی کتاب مفرد وكثير من اسانيدھا صماح ومسان .

مدیث : «من كنت مولاه فعلى مولاه» را ، ترمذی و نسائی با سند صحیح نقل کرده اند ، سندهای بسیاری

دارد ، که همه آنها را ابن عقده در کتاب مستقلی جمع آوری کرده است و بسیاری از اسناد آن صحیح

و یا مسن هستند .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علی بن حجر اَبو الفضل الشافعی ، فتح الباری شرح صحیح البخاری ، ج 7 ، ص 74 ،

تحقیق : محب الدین الخطیب ، ناشر : دار المعرفة - بیروت .

و در تهذیب التهذیب که یکی از کتابهای معتبر رجالی اهل سنت به حساب می آید ، می گوید که بیش از هفتاد صحابی روایت غدیر را نقل کرده اند :

وقد جمعه بن جریر الطبری فی مؤلف فيه أضعاف من ذكر وصممه واعتنى بجمع طرقه اَبو العباس بن عقدة

فأفرجه من مدیث سبعین صماييا أو أكثر .

ابن جریر مدیث غدیر را از طرق گوناگون در کتاب مستقلی ، با تصحیح آن جمع آوری کرده است ،

وکسی که به اسناد آن توجه خاص کرده است ، ابن عقده است ، وی این حدیث را از زبان بیش از

هفتاد صحابی نقل کرده است .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل الشافعی ، تهذیب التهذیب ، ج 7 ، ص 297 ،

ناشر : دار الفکر - بیروت ، الطبعة الأولى ، 1404 - 1984 .

### ترجمه ابن حجر عسقلانی :

هاشمی مکی ، از مشاهیر قرن نهم هجری و از هم‌دوره‌های ابن حجر ، او را این گونه می‌ستاید :

أحمد بن علی بن محمد بن محمد بن علی بن محمود بن أحمد بن أحمد بن العسقلانی المصری الشافعی

الإمام العلامة المافظ فريد الوقت مفخر الزمان بقیة المفاظ علم الأئمة الأعلام عمدة المحققین فائمة

المفاظ المبرزین والقضاة المشهورین أبو الفضل شهاب الدین ...

الهامشی المکی ، الحافظ أبو الفضل تقی الدین محمد بن محمد بن فهد (متوفای 871هـ) ، لحظ الألاحظ بذیل طبقات الحفاظ ، ج 1 ، ص 326 ،

ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت .

ابن حجر عسقلانی مصری شافعی مذهب ، پیشوای دانشمند ، مافظ (صد هزار حدیث) ، یگانه روزگار،

افتخار زمان ، باقی مانده از مافظان حدیث ، سرآمد پیشوایان بزرگ ، محقق عمده ، پایان بخش

مافظان ، قاضی مشهور ...

### 3 . ابن حجر هیثمی (متوفای 974هـ) :

ابن حجر هیثمی در کتاب الصواعق المحرقة که آن را علیه مذهب شیعه نگاشته است به کثرت اسناد حدیث غدیر اعتراف کرده و

می‌گوید :

أنه حدیث صحیح لا مرية فيه وقد أفرجه جماعة كالترمذی والنسائی وأحمد و طرقه كثيرة جدا ومن ثم رواه

ستة عشر صحابيا وفي رواية لأحمد أنه سمعه من النبي صلى الله عليه وسلم ثلاثون صحابيا وشهدوا به لعلی

لما نزع أيام فلافته كما مر وسيأتي وكثير من أسانيدھا صحاح ومسان ولا التفات لمن قدح في صحته .

در صحت حدیث غدیر شکی نیست ؛ زیرا گروهی مانند : ترمذی ، نسائی و احمد آن را با سند نقل کرده اند ،

اسناد این حدیث فراوان است و شازده تن از اصحاب آن را روایت کرده اند ، و در نقلی که احمد دارد می گوید : سی نفر از اصحاب در زمان خلافت علی علیه السلام وقتی که علی از آنان در خواست گواهی بر شنیدن این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه وآله نمود ، شهادت دادند که آن را از پیامبر شنیده اند . بیشتر سندهای این حدیث صحیح و مسن است و سفن کسی که بر سند آن بخواهد ایراد می گیرد ، ارزش توجیه ندارد .

ابن حجر الهیثمی ، أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه ، ج 1 ، ص 106\_107 ، تحقیق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي و کامل محمد الخراط ، ناشر : مؤسسة الرسالة - لبنان ، الطبعة الأولى ، 1417هـ - 1997م .

### **ترجمه ابن حجر هیثمی :**

عبد القادر العیدروسی (متوفای 1037 هـ) در باره او می گوید :

وفیها [سنه أربع وسبعین بعد التسعمائة] فی رجب توفی الشیخ الإمام شیخ الإسلام فاتمه أهل الفتیا والتدریس ناشر علوم الامام محمد بن إدريس المافظ شهاب الدین أبو العباس أحمد بن محمد بن علی بن مبر الهیتمی السعدی الأنصاری بمكة ودفن بالمعلاة فی تربة الطبریین وكان فی علم الفقه وتمقیقه لا تکره الدلاء وإمام المرمین كما أجمع علی ذلك العارفون وانصقت علیه فناصر الملاء إمام اقتدت به الأئمة وهما صار فی إقليم المجاز أمة مصنفاته فی العصر آیه يعجز عن الإتيان بمثلها المعاصرون ...

وامد العصر وثانی القطر وثالث الشمس والبدر من أقسمت المشكلات أن لا تتضع إلا لديه وأكدت المعضلات آلیتها أن لا تتجلی إلا علیه لا سیما وفي المجاز علیها قد مبر ولا عجب فإنه المسمى بابن مبر .

ابن مبر هیثمی دریائی از دانش فقه و تمقیق ، امام مدینه و مکه بود که همه پیشوایان به وی اقتدا می کردند ، در سرزمین مجاز از جهت آثار نمونه ای بود که مثل و مانند نداشت ...

العیدروسی ، عبد القادر بن شیخ بن عبد الله ، تاریخ النور السافر عن أخبار القرن العاشر ، ج 1 ، ص 258 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة الأولى ، 1405 .

#### 4 . جلال الدین سیوطی (متوفای 911هـ) :

جلال الدین سیوطی ، مفسر ، ادیب و محدث مشهور اهل سنت ، از کسانی است که حدیث غدیر را از احادیث متواتر می‌داند . البته ما در کتاب‌هایی که از وی در اختیار داریم ، چنین مطلبی را نیافتیم ؛ ولی دو تن از بزرگان اهل سنت ، این مطلب را از زبان وی نقل کرده‌اند که همین برای ما کفایت می‌کند .

حافظ عبد الرؤوف مناوی در شرح جامع الصغیر سیوطی می‌نویسد :

( من كنت مولاه ) أى وليه وناصره ( فعلى مولاه ) ولاء الاسلام وسببه ان أسامه قال لعلى لست مولای انما

مولای رسول الله فذكره ( مع ه عن البراء ) بن عازب ( مع عن بريدة ) بن المصیب ( ت ن والضياء عن زيد بن

أرقم ) ورجال أحمد ثقات بل قال المؤلف حديث متواتر .

**راویان این حدیث مورد اعتماد هستند ؛ بلکه مؤلف (سیوطی) گفته است که این حدیث متواتر است .**

المناوی ، الإمام الحافظ زين الدين عبد الرؤوف ، التيسير بشرح الجامع الصغير ، ج 2 ص 442 ، (متوفای 1031هـ) ، ناشر : مكتبة الإمام الشافعي - الرياض ، الطبعة : الثالثة ، 1408هـ - 1988م .

و در فیض القدير که این کتاب نیز در شرح جامع الصغیر سیوطی است ، می‌نویسد :

قال الهيئى رجال أحمد ثقات وقال فى موضع آخر رجاله رجال الصمیع وقال المصنف حديث متواتر

هيئى گفته است که (راویان مسند احمد مورد اعتماد هستند و در جای دیگر گفته که (راویان آن راویان

**صمیع بفاری هستند و مصنف (سیوطی) گفته است که حدیث غدیر متواتر است .**

المناوی ، الإمام الحافظ زين الدين عبد الرؤوف ، فيض القدير شرح الجامع الصغير ، ج 6 ص 218 ، ناشر : المكتبة التجارية الكبرى - مصر ، الطبعة : الأولى ، 1356هـ .

و ابراهيم بن محمد حسینی (متوفای 1120هـ) از علمای سنی مذهب قرن دوازدهم نیز این مطلب را تأیید می‌کند :

من كنت مولاه فعلى مولاه

أفرجه الإمام أحمد ومسلم عن البراء بن عازب رضى الله عنه وأفرجه أحمد أيضا عن بريدة بن المصیب رضى

الله عنه وأفرجه الترمذى والنسائى والضياء المقدسى عن زيد بن رقم رضى الله عنه قال الهيئى رجال أحمد

ثقات وقال فى موضع آخر رجاله رجال الصمیع .

**وقال السيوطى حديث متواتر .** سببه أن أسامه قال لعلى لست مولای إنما مولای رسول الله (ص) فقال



النبي (ص) : «من كنت مولاه فعلى مولاه» .

این حدیث را امام احمد و مسلم از براء بن عازم نقل کرده اند و احمد مجدداً آن را از بریده بن مصیب و ترمذی و نسائی و ضیاء مقدسی از زید بن ارقم آن را نقل کرده اند، هیثمی می گوید: رجال سند احمد همه ثقه هستند و در مورد دیگری گفته است راویان آن راویان صمیم بخاری هستند .  
سیوطی می گوید: حدیث غدیر متواتر است.

علت ایراد این حدیث آن است که اسامه به علی گفت : تو مولای من نیستی ؛ بلکه مولای من پیامبر است ، رسول فاد صلی الله علیه وآله پس از شنیدن این سخن فرمود :  
هر کس من مولای او هستم ، علی نیز مولای او است .

الحسینی ، ابراهیم بن محمد ، البیان والتعریف فی أسباب ورود الحدیث الشریف ، ج 2 ، ص 230 ، ح 1577 ، تحقیق : سیف الدین الکاتب ، ناشر : دار الکتاب العربی - بیروت - 1401 هـ .

## ترجمه سیوطی :

نجم الدین العزیز در کتاب الکواکب السائره ، سیوطی را این گونه معرفی می کند :

عبد الرمن بن أبی بکر الأسیوطی: عبد الرمن بن أبی بکر بن محمد بن أبی سابق الدین بکر بن عثمان بن محمد بن فضر بن آیوب بن محمد ابن الشیخ همام الدین، الشیخ العلامة، الإمام، الممقق، المدقق، المسند، المافظ شیخ الإسلام جلال الدین أبو الفضل ابن العلامة کمال الدین الأسیوطی، الفضیری، الشافعی صامب المؤلفات الجامعه، والمصنفات النافعه، وألف المؤلفات المافله الكثيره الكامله الجامعه، النافعه المتقنه، الممرره، المعتمره نیفت عدتها علی فمسمائه مؤلف

وكان أعلم أهل زمانه بعلم الحديث وفنونه، ورجاله، وغريبه، واستنباط الأمكان منه، وأخبر عن نفسه أنه يفظ مئتي ألف حديث. قال: ولو وجدت أكثر لمفظته. قال: ولعله لا يوجد على وجه الأرض الآن أكثر من ذلك  
استاد علامه ، پیشوا ، ممقق ، دقیق ، مافظ ( کسی که صد هزار حدیث مفظ است)، صامب کتابهای جامع و تألیفات سودمند ، کسی که بیش از پانصد کتاب مفید و ارزشمند نوشته است ، دانا ترین فرد در دانش حدیث

و فنون آن ، اهل استنباط امکام و کسی که فودش گفته است : دویست هزار مدیث را مفظ هستم و اگر

بیشتر می یافتم باز هم مفظ می کردم ، که البته شاید اکنون بیش از این مدیث وجود نداشته باشد.

الغزی ، نجم الدین محمد بن محمد ، الکواکب السائرة بأعیان المئة العاشرة ، ج 1 ص 142 ، (متوفای 1061هـ) .

## 5 . أبو حامد غزالی (متوفای 505هـ) :

غزالی ، دانشمند نامور و شهیر قرن ششم که ذهبی از او با عنوان اعجوبه زمان یاد می کند ، در باره حدیث غدیر و پیمانی که خلیفه

دوم در آن روز بست و تنها چند روز بعد از غدیر آن را به باد فراموشی سپرد ، می نویسد :

و اجمع الجماهير على متن الحديث من فطبتة في يوم عيد يزعم باتفاق الجميع وهو يقول : « من كنت

مولاه فعلى مولاه » فقال عمر بن الخطاب يا أبا المسن لقد أصبمت مولاي ومولى كل مولى فهذا تسليم ورضى

وتمكيم ثم بعد هذا غلب الهوى تمب الرئاسة وممل عمود الفلافة وعقود النبوة وففقان الهوى فى قحقة

الرايات واشتباك ازدهام الفيول وفتح الأمصار وسقاهم كأس الهوى فجادوا إلى الفلاف الأول : فنبذوه وراء

ظهورهم واشتروا به ثمناً قليلاً .

از فطبه‌های رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فطبه غدیر فم است که همه مسلمانان بر متن

آن اتفاق دارند . رسول خدا فرمود : هر کس من مولا و سرپرست او هستم ، علی مولا و سرپرست او است .

عمر پس از این فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) این گونه تبریک گفت :

«افتخار ، افتخار ای ابوالمسن ، تو اکنون مولا و رهبر من و هر مولای دیگری هستی.»

این سفتن عمر مکایت از تسلیم او در برابر فرمان پیامبر و امامت و رهبری علی (علیه السلام) و نشانه

رضایتش از انتخاب علی (علیه السلام) به رهبری امت دارد ؛ اما پس از گذشت آن روزها ، عمر تمت تأثیر

هوای نفس و علاقه به ریاست و رهبری فودش قرار گرفت و استوانه فلافت را از مکان اصلی تغیر داد و با

لشکر کشی‌ها ، برافراشتن پرچم‌ها و گشودن سرزمین‌های دیگر ، راه امت را به افتلاف و بازگشت به دوران

جاهلی هموار کرد و [مصدق این آیه قرآن شد :

پس، آن [عهد] را پشتِ سرِ فود انداختند و در برابر آن ، بهایی ناپیز به دست آوردند، و چه بد

معامله‌ای کردند .

الغزالی ، أبو حامد محمد بن محمد ، سر العالمین وکشف ما فی الدارین ، ج 1 ، ص 18 ، باب فی ترتیب الخلافة والمملكة ، تحقیق : محمد حسن محمد حسن إسماعیل وأحمد فريد المزیدی ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان ، الطبعة : الأولى ، 1424هـ - 2003م .

## ترجمه أبو حامد غزالی :

علامه شمس الدین ذهبی در ترجمه او می‌نویسد :

الغزالی الشیخ الإمام البصر مجة الإسلام أعجوبة الزمان زین الدین أبو حامد محمد بن محمد بن محمد بن

أحمد الطوسی الشافعی الغزالی صاحب التصانيف والذکاء المفرط ... ثم بعد سنوات سار إلى وطنه لازماً لسننه

مافظا لوقتہ مکبا علی العلم

غزالی استاد پیشوا و دریای علم ، نشانه اسلام ، اعجوبه زمان ، صاحب کتابها وانسانی با هوش فراوان

و زیرک ... بود .

پس از سالها به زادگاهش بازگشت و به استفاده از وقت ، فرصت و علم و دانش روزگار را سپری کرد ...

سیر أعلام النبلاء ، ج 19 ، ص 322 ، تحقیق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسی ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بیروت ، الطبعة : التاسعة ، 1413هـ .

و در جلد 14 ، ص 202 از همین کتاب با استفاده از حدیث نبوی او را یکی از احیایگران دین می‌داند و می‌نویسد :

وقال الماکم سمعت مسان بن محمد يقول كنا فی مجلس ابن سريج سنة ثلاث وثلاث مئة فقام إليه شیخ

من أهل العلم فقال أبشر أيها القاضي فإن الله يبعث على رأس كل مئة سنة من يجدد یعنی للأمة أمر دینها

وإن الله تعالى بعث على رأس المئة عمر بن عبدالعزیز وبعث على رأس المئتين محمد بن إدريس الشافعی

...

قلت وقد كان على رأس الأربع مئة الشیخ أبو حامد الاسفرايينی وعلى رأس الفمس مئة أبو حامد الغزالی

وعلى رأس الست مئة المافظ عبد الغنی ...

ماکم می‌گوید : از مسان بن محمد شنیدم که می‌گفت : در سال 303هـ در مجلس ابن سريج بودم ،

پیر مردی دانشمند بر فواست و گفت : بشارت ای قاضی ! خداوند در هر صد سال کسی را می‌فرستد

که امیاگر دین است ، عمر بن عبد العزیز اولین است و در صد سال دوّم ممد بن ادريس شافعی است...  
من می گویم در صد سال چهارم ابو مامد اسفرايينی است و در صد سال پنجم غزالی و در صد سال ششم  
مافظ عبد الغنی است ، و...

## 6 . ملا علی قاری (متوفای 1014هـ) :

ملا علی هروی ، معروف به هروی ، صاحب کتاب معتبر مرقاة المفاتیح در باره حدیث غدیر و تواتر آن می گوید :

أن هذا مدیث صمیع لا مریة فیہ ، بل بعض المفاظ عده متواتراً إذ فی روایة أمد أنه سمعه من النبی صلی  
الله علیه وسلم ثلاثون صحابیا وشهدوا به لعلی لما نوزع أیام خلافته .

مدیث غدیر بدون شک صمیع است ؛ بلکه بعضی از مافظان آن را متواتر دانسته اند ؛ چون در نقل امد  
آمده است :

این مدیث را در زمان خلافت علی علیه السلام بعد از اختلافی که در باره آن پیش آمد، سی تن از اصحاب  
شهادت دادند که آن را از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده اند.

محمد القاری ، علی بن سلطان ، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح ، ج 11 ، ص 248 ، تحقیق : جمال عیتانی ، ناشر : دار الکتب العلمیة -  
لبنان / بیروت ، الطبعة الأولى ، 1422هـ - 2001م .

## ترجمه ملا علی قاری :

عاصمی مکی (متوفای 1111هـ) در باره او می نویسد :

الشیخ الملا علی القاری بن سلطان بن ممد الهروی المنفی الجامع للعلوم العقلیة والنقلیة والمتضلع من  
السنة النبویة أمد جماهیر الأعلام ومشاهیر أولی المفظ والأفهام ولد بهراء ورمل إلى مکة وتديرها أفذ عن  
فاتمة الممققین العلامة ابن مبر الهیثمی .

ملا علی قاری منفی مذهب در علوم عقلی و نقلی جامع بود و سنت نبوی را به درستی می شناخت ، او یکی از  
دانشمندان بزرگ و نام آوران زمان و دارای قدرت مافظه و صامب فهم بود .

العاصمی المکی ، عبد الملك بن حسین بن عبد الملك الشافعی ، سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی ، ج 4 ، ص 402 ،

تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1419هـ - 1998م .

## 7 . علامه شمس الدین الجزری الشافعی (متوفای 833هـ) :

شمس الدین جزری که کتاب مستقلی در باره فضائل امیر مؤمنان علیه السلام نوشته ، بعد از نقل حدیث مناشده امیر المؤمنین علیه السلام به حدیث غدیر در رحبه ، می گوید :

هذا حدیث مسن من هذا الوجه ، صمیع من وجوه کثیرة تواتر عن امیر المؤمنین علی ، وهو متواتر ایضاً عن

النبی صلی الله وسلم رواه الجع الزفیر عن الجع الزفیر ، ولا عبرة بمن حاول تضعیفه من لا اطلاع له

فی هذا العلم .

وی پس از نقل حدیث غدیر می گوید: این حدیث از این جهت مسن و از جهات زیادی صمیع و از جهت امیر المؤمنین علی و رسول خدا متواتر است، گروههای زیادی از گروههای دیگر آن را روایت کرده اند، سفن کسانی که بدون آگاهی از دانش حدیث آن را ضعیف دانسته اند ارزشی ندارد و نباید به آن اعتنا کرد.

الجزری الشافعی ، أبی الخیر شمس الدین محمد بن محمد بن محمد ، أسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن أبی طالب کرم الله وجهه ، ص 48 ، تقدیم و تحقیق و تعلیق الدكتور محمد هادی الأمینی ، ناشر : مکتبة الإمام امیر المؤمنین (ع) العامة ، اصفهان - ایران

## ترجمه علامه جزری :

محمد بن محمد بن محمد بن محمد المافظ - الإمام المقرئ شمس الدین ابن الجزری ، ولد ليلة السبت الخامس والعشرين من شهر رمضان سنة 751 بدمشق ، وتفقه بها ، ولهج بطلب الحديث والقراءات ، وبرز فی القراءات ، وعمر مدرسة للقراء سماها دار القرآن وأقرأ الناس ، وعین لقضاء الشام مرة ، وكتب توقيعه عماد الدین بن کثیر ثم عرض عارض فلم يتم ذلك وقدم القاهرة مرارا ، وكان مثيرا وشكلا مسنا وفصيما بليغا ... وكان كثير الإمسان لأهل المجاز ، وأفد عنه أهل تلك البلاد فی القراءات وسمعوا عليه الحديث ... وقد انتهت إليه رئاسة علم القراءات فی الممالک ، وكان قديما صنفا المصن المصين فی الأدعية ولهج به أهل اليمن واستكثروا منه ، وسمعوه على قبل أن يدخل هو إليهم ثم دفل إليهم فأسمعهم ، ومدت بالقاهرة بمسند أحمد ومسند الشافعی وبغير ذلك وكان يلقب فی بلاده الإمام الأعظم .

جزری شب بیست و پنجم رمضان سال 751 هـ در شهر دمشق به دنیا آمد و در همان شهر به دانش اندوزی پرداخت و برای آشنائی با حدیث و قرائت‌های قرآن تلاش کرد و در همین رشته هم موفق شد و مدرسه‌ای به نام دار القرآن تاسیس کرد . به قضاوت از طرف عماد الدین کثیر منصوب شد ولی آن را به پایان نرساند ، چندین بار به قاهره سفر کرد ، وی چهره ای زیبا و جذاب داشت...

نسبت به مردم مجاز بسیار نیکو کار بود، از وی دانش قرائت و حدیث را آموختند... در همه کشورها دانش قرائت به او ختم می شد و کتابی در دعا به اسم المصن المصین نوشت ، مردم یمن از وی استفاده فراوان نمودند ، در قاهره مسند امامد و شافعی را بر مردم می خواند ، به او امام اعظم لقب داده بودند .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل الشافعی ، إنباء العُمر بأبناء العمر فی التاريخ ، ج 8 ص 245 ، تحقیق : د.محمد عبد المعید خان ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان الطبعة : الثانية ، 1406 هـ - 1986 م .

## 8 . سبط بن جوزی (متوفای 654 هـ) :

سبط بن جوزی ، نوه دختری أبو الفرج بن جوزی ، از بزرگان قرن هفتم اهل سنت در تذکره الخواص در باره حدیث غدیر می گوید :

**اتفق علماء السیر علی أن قصه الغدیر کانت بعد رجوع النبی (ص) من مجة الوداع فی الثامن عشر من ذی**

**المجة جمع الصمابة وكانوا مائة وعشرون ألفاً وقال: (من كنت مولاہ فعلى مولاہ) الحدیث ، نص (ص) علی**

**ذلك بصریح العبارة دون التلویح والإشارة .**

دانشمندان متفحص در تاریخ اسلام اتفاق دارند که قصه غدیر بعد از بازگشت رسول خدا صلی الله علیه وآله از مجة الوداع در هیجدهم ذی المجة اتفاق افتاد ، اصماب و یارانش را صد و بیست هزار نفر بودند جمع کرد و درسفرانی اش فرمود : هر کس من او را مولا و رهبرم ؛ پس علی ، مولا و رهبر او است ، در این روایت با صرامت نه با کنایه و اشاره رسول خدا صلی الله علیه وآله علی را پیشوا قرار داد.

سبط بن الجوزی الحنفی ، شمس الدین أبوالمظفر یوسف بن فرغلی بن عبد الله البغدادی ، تذکره الخواص ، ص 37 ، ناشر : مؤسسه أهل البيت - بیروت ، 1401 هـ - 1981 م .

**ترجمه ابن جوزی :**

شمس الدین ذہبی در بارہ او می گوید:

یوسف بن قُزَعْلَى بن عبد الله . الإمام ، الواعظ ، المؤرخ شمس الدين ، أبو المظفر التركي ، ثم البغدادي العوني المنفي . سبط الإمام جمال الدين أبي الفرج ابن الجوزي ؛ نزيل دمشق . وُلد سنة إمدى وثمانين ومئسمائة ... وكان إماماً ، فقيهاً ، واعظاً ، وميداً في الوعظ ، علامةً في التاريخ والسير ، وافر المرمأة ، ممبياً إلى الناس ... ودرّس بالشبلية مدةً ، وبالمدرسة البدرية التي قبالة الشبلية . وكان فاضلاً عالماً ، ظريفاً ، منقطعاً ، منكرًا ، على أرباب الدول ما هم عليه من المنكرات ، متواضعاً صامب قبول تام .

یوسف بن فزعلی منفی ، پیشوا ، فقیه ، تاریخ دان و در سفنوری یگانہ بود ، در تاریخ و سرگذشت ، علامہ و در نزد مردم بسیار قابل احترام و محبوب بود . مدتی در شبیلہ و مدرسہ بدریہ تدریس می کرد ، او فاضل ، دانشمند و نکته سنج بود و با دولتمردانی کہ کارهای ناپسندی می کردند ، مخالفت می کرد و همگان او را قبول داشتند .

الذہبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام ، ج 48 ص 183، تحقیق : د. عمر عبد السلام تدمری ، ناشر : دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت ، الطبعة : الأولى ، 1407ھ - 1987م .

أبو محمد یافعی (متوفای 768ھ) در بارہ او می نویسد :

**العلامة الواعظ المورخ** شمس الدین أبو المظفر یوسف التركي ثم البغدادي المعروف بابن الموزی سبط

الشیخ جمال الدین أبی الفرج ابن الجوزی أسمعه جده منه ومن جماعة وقدم دمشق سنة بضع وست مائة فوعظ بها ومصل له القبول العظيم للطف شمائله وعذوبه وعظه .

در شهر دمشق مردم را موعظه می کرد و چون چهره و سفنش جذاب بود ، مورد قبول و پذیرش عموم

قرار گرفت ... .

الیافعی ، أبو محمد عبد الله بن أسعد بن علی بن سلیمان ، مرآة الجنان وعبرة اليقظان ، ج 4 ، ص 136 ، ناشر : دار الكتاب الإسلامی - القاهرة - 1413ھ - 1993م .

قطب الدین الیونینی (متوفای 726ھ) در بارہ او می نویسد :

وكان أومد زمانه فی الوعظ مسن الإیراد ترق لرؤيته القلوب وتذرف لسماع كلامه العيون وتفرد بهذا الفن

ومصل له فيه القبول التام وفاق فيه من عاصره وكثيراً ممن تقدمه متى أنه كان يتكلم في المجلس  
الكلمات اليسيرة المحدودة أو ينشد البيت الواحد من الشعر فيمصل لأهل المجلس من المشوع  
والاضطراب والبكاء ما لا مزيد عليه فيقتصر على ذلك القدر اليسير وينزل فكانت مجالسه نزهة القلوب  
و الأبصار يضرها الصلحاء والعلماء والملوك والأمراء والوزراء وغيرهم ولا يخلو المجلس من جماعة  
يتوبون ويرجعون إلى الله تعالى .

در وعظ و سخنرانی در زمان فودش منمصر به فرد بود ، با دیدنش رقت قلب برای بیننده ایجاد می شد و با  
شنیدن سخنش اشکها جاری می شد ، مورد قبول عموم بود ، گاهی در مجلسی کلماتی اندک و یا شعری می  
خواند همه حاضران را به گریه می انداخت . در مجلس وی همواره دانشمندان و امیران و وزیران و غیر آنان  
مضور می یافتند ، و هیچگاه نمی شد که بدون توبه کسی از مجلسش خارج شود .

اليونيني ، قطب الدين أبو الفتح موسى بن محمد ، ذيل مرآة الزمان ، ج 1 ، ص 15 .

العكرى الحنبلى (متوفى 1089هـ) در باره او می نویسد :

سبط ابن الجوزى العلامة الواعظ المؤرخ شمس الدين أبو المظفر يوسف بن فرغلى التركى ثم البغدادى  
الهيبرى المنفى سبط الشيخ أبى الفرغ بن الجوزى أسمعته جده منه ومن ابن كليب وجماعة وقدم دمشق سنة  
بضع وستمائة فوعظ بها ومصل له القبول العظيم للطف شمائله وعذوبه وعظه ... ولو لم يكن له إلا كتابه  
مرآة الزمان لكفاه شرفا .

العكرى الحنبلى ، عبد الحى بن أحمد بن محمد ، شذرات الذهب فى أخبار من ذهب ، ج 5 ، ص 266 ، تحقيق : عبد القادر الأرناؤوط ، محمود  
الأرناؤوط ، ناشر : دار بن كثير - دمشق ، الطبعة الأولى ، 1406هـ .

9 . علامه اسماعيل بن محمد العطونى الجراحى (متوفى 1162هـ) :

عجلونى نویسنده کتاب کشف الخفاء ، از دانشمندان مشهور سنی در قرن دوازدهم در باره حدیث غدیر می گوید :

( من كنت مولاه فعلى مولاه ) رواه الطبرانى وأحمد والضياء فى المفتارة عن زيد بن أرقم وعلى وثلاثين

من الصمابة بلفظ اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فالمدیث متواتر أو مشهور .



مدیث: «من كنت مولاه فعلى مولاه» را طبرانی و احمد وضیاء در کتابش المفتره، از زید بن ارقم

وعلى و سى نفر از صحابه نقل کرده اند، پس مدیث متواتر و مشهور است.

العجلونى الجراحى ، إسماعيل بن محمد ، كشف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس ، ج 2 ، ص 361 ، رقم : 2591 ، تحقيق : أحمد القلاش ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة : الرابعة ، 1405 هـ .

## ترجمه العجلونى :

البديرى (متوفى بعد از 1175هـ) در ترجمه او مى‌نويسد :

وفى يوم الاثنين ثانى ممره هذه السنه توفى شيفنا ممدت الديار الشاميه ، بل فاطمه الممدثين ، من

افتخرت به دمشق على سائر الدنيا الشيخ إسماعيل العجلونى المدرّس تمت قبة النسر بجامع بنى أمية ، ولم يبق أمد من أهل الشام من كبير وصغير إلا مضر جنازته .

در دوم ممره سال 1162 استاد ما ، ممدت ديار شاه و بلکه فاطم ممدثان و كسى كه مردم شاه به جهت وجود او در آن ديار بر ديگر مردم دنيا فخر فروشى مى‌کردند ، از دنيا رفت . در روز مرگش كويك و بزرگ در تشييع جنازه‌اش شركت كردند .

البديرى الحلاق ، أحمد بن بدير ، حوادث دمشق اليوميء ، ج 1 ، ص 30 ، حوادث سال 1162 هـ .

محقق كتاب كشف الخفاء در مقدمه كتاب ص 6 مى‌نويسد :

وقد ترجمه الشيخ سعيد السمان فى كتابه وقال فى وصفه : فاطمه أئمة المديث ومن ألفت إليه مقاليدها بالقديم والمديث اقتدح زناه فيه فأضاء وشاع متى ملأ الفضاء آفذا بطرفى العلم والعمل متسما ذروة عن غيره بعيدة الأمل يقطع آناء الليل تضرعا وعبادة ويوسع أطراف النهار قراءة وإفادة لا يشغله عن ترداده النظر فى دفاثره مراه ولا عن نشر طبيها نقض ولا إبرام مع ورع ليس للرياء عليه سبيل وغض بصر عما لا يعنى من هذا القبيل ...

فاطم امامان مديث ، كليد و رمز همه علوم در دست او بود ، شبهايش به عبادت و روزش به مطالعه و تدريس مى‌گذشت ، اهل پارسائى و ورع و به دور از ريا بود ...

## 10 . محمد بن اسماعیل صنعانی (متوفای 1182هـ) :

صنعانی ، نویسنده کتاب معتبر سبل السلام در باره حدیث غدیر می گوید :

مدیث من كنت مولاہ فعلی مولاہ أفرجہ جماعةً من أئمة المدیث منهم أحمد والماکم من مدیث ابن

عباس وابن أبی شیبہ وأحمد من مدیث ابن عباس عن بريدة وأحمد وابن ماجه عن البراء و ...

وقد عدہ أئمةً من المتواتر .

گروهی از بزرگان و پیشوایان در دانش مدیث ؛ مانند : احمد منیل و ماکم نیشابوری و ابن ابی شیبہ و ابن

ماجه مدیث : من كنت مولاہ... را با سند روایت کرده اند .

برفی از پیشوایان آن را از احادیث متواتر شمرده اند .

الحسنی صنعانی ، محمد بن إسماعیل الأمير ، توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار ، ج 1 ، ص 243 ، تحقیق : محمد محی الدین عبد الحمید ،

ناشر : المكتبة السلفية - المدينة المنورة .

## ترجمه صنعانی :

القنوجی (متوفای 1307 هـ) در باره او می گوید :

کتاب اسبال المطر علی قصب السكر و کتاب توضیح الافکار شرح تنقیح الانظار کلاهما للسید الامام المجتهد

العلامة محمد بن إسماعیل الامیر الیمنی رحمه الله .

نویسنده کتاب اسبال المطر و توضیح الأفكار ؛ آقا ، امام ، مجتهد و علامه محمد اسماعیل است .

القنوجی ، صدیق بن حسن ، أبجد العلوم الوشی المرقوم فی بیان أحوال العلوم ، ج 2 ، ص 66 ، تحقیق : عبد الجبار زکار ، ناشر : دار الکتب العلمیة

- بیروت - 1978 .

اسماعیل باشا بغدادی (متوفای 1339 هـ) در هدیه العارفین می نویسد :

السید محمد بدر الدین ابن المتوکل علی الله اسماعیل بن صلاح الامیر الکملانی ثم صنعانی رئیس العلماء

والفطیب بها هو من اصحاب المدیث والاجتهاد .

او رئیس علما و فطیب آنها و از اصحاب مدیث و اجتهاد بود .

البغدادی ، إسماعیل باشا البغدادی ، هدیه العارفین أسماء المؤلفین وآثار المصنفین ، ج 6 ، ص 338 ،

11 . محمد بن جعفر الكتاني (متوفای 1345هـ) :

جعفر کتانی از مشاهیر قرن چهاردهم در باره حدیث غدیر می گوید :

وفی رواية لأحمد أنه سمعه من النبي (ص) ثلاثون صمياً وشهدوا به لعلی لما نوزع أيام خلافته وممن صرح

بتواتره أيضا المناوی فی التیسیر نقلا عن السيوطی وشارح المواهب اللدنیة وفی الصفوة للمناوی .

در نقل احمد آمده است که سی نفر از اصحاب رسول خدا برای علی شهادت دادند که حدیث غدیر را از زبان

پیامبر شنیده اند ، و از کسانی که تصریح به تواتر آن دارد مناوی است که آن را از سیوطی نقل کرده است .

الکتانی ، محمد بن جعفر أبو عبد الله ، نظم المتناثر من الحديث المتواتر ، ج 1 ، ص 195 ، تحقیق : شرف حجازی ، ناشر : دار الكتب السلفية - مصر .

12 . محمد ناصر البانی (1332هـ . 1914م ؛ 1420هـ - 1999م) :

محمد ناصر البانی ، محدث مشهور و معاصر وهابی که بیش از صد جلد کتاب نوشته ، در باره حدیث غدیر می گوید :

و للمدیث طرق أفرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيئتي فی " المجمع " ( 9 / 103 - 108 ) و قد ذكرت و

فرجت ما تيسر لي منها مما يقطع الواقف عليها بعد تمقيق الكلام على أسانيدھا بصمة المدیث یقینا ، و إلا

فهي كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة فی كتاب مفرد ، قال المافظ ابن حجر : منها صماح و منها مسان .

و جملة القول أن مدیث التریمة مدیث صمیع بشرطیه ، بل الأول منه متواتر عنه صلى الله عليه وسلم كما

ظهر لمن تتبع أسانیده و طرقه ، و ما ذكرت منها كفاية .

البانی ، محمد ناصر (معاصر) ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

برای حدیث غدیر سندهای بسیاری ذکر شده است که افراد زیادی مانند هیئتی در کتابش المجمع اسناد آن را

ذکر کرده اند ، و من آنچه آورده ام اندکی از آن است که هر کسی پس از آشنائی با اسناد آن یقین به صحت

پیدا می کند . ابن عقده همه راههای نقل آن را در کتابی مستقل جمع کرده است و ابن حجر بنا بر بعضی از

اسناد ، آن را صمیع و بر بعضی از اسناد ، مسن دانسته است .

فلاصه سفن آن که هر دو قسمت این روایت [من كنت مولاه فعلى مولاه ؛ اللهم وال من والاه ] صمیع

هستند ؛ بلکه قسمت اول آن به صورت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است ...

## ترجمه البانی :

سایتی که وهابی‌ها به نام او در اینترنت دایر کرده‌اند ، وی را این گونه معرفی کرده است :

العلامة الشيخ محمد ناصر الدين الألباني أمد أبرز العلماء المسلمين في العصر الحديث ، ويعتبر الشيخ الألباني من علماء الحديث البارزين المتفردين في علم الجرح والتعديل ، والشيخ الألباني مجتهد في مصطلح الحديث وقال عنه العلماء الممدثون إنه أعاد عصر ابن مجر عسقلاني والماضا بن كثير وغيرهم من علماء الجرح والتعديل .

علامه ناصر الدين البانی یکی از معروفترین دانشمندان مسلمان در زمان ماضی است ، او در حدیث شناسی و جرح و تعدیل رجال و راویان حدیث منمصر به فرد و الگوی دیگران است ، برفی از دانشمندان در باره وی گفته اند : البانی زمان ابن مجر عسقلانی و ابن کثیر و دیگر دانشمندان در علم حدیث شناسی و جرح و تعدیل را زنده کرده است .

و بعد در ادامه می نویسد :

قال سماحة الشيخ عبد العزيز بن باز رحمه الله :

«ما رأيت تمت أديم السماء عالما بالحديث في العصر الحديث مثل العلامة محمد ناصر الدين الألباني» .  
بن باز مفتی اسبق مجاز می گوید : در عصر ماضی دانشمندی دانایتر از شیخ ناصر البانی به علم حدیث در زیر آسمان کیود سراغ ندارم .

و نیز می نویسد :

وسئل سماحته عن حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم : «ان الله يبعث لهذه الأمة على رأس كل مائة سنة من يجد لها دينها» فسئل من مجدد هذا القرن ، فقال رحمه الله : الشيخ محمد ناصر الدين الألباني هو مجدد هذا العصر في ظني والله أعلم .

از بن باز در باره این سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود : در هر صد سال خداوند امیا گری برای

دین می فرستد ، سؤال شد ، که چه کسی اکنون مجدد دین است ؟ گفت : به گمان من امیاگر سنت و

دین در این زمان البانی است .

و به نقل از شیخ مقبل الوداعی می نویسد :

والذی أعتقده وأدين الله به أن الشيخ محمد ناصر الدين الألباني مفضه الله من المجددين الذين يصدق

عليهم قول الرسول (صلى الله عليه وسلم) : «إن الله يبعث على رأس كل مائة سنة من يجدد لها أمر دينها» .

مقبل الوداعی گفته است : آنچه من به آن اعتقاد دارم این است که البانی از مجددین و امیاگران دین و

مصدق حدیث رسول خدا صلی الله علیه وآله است که در هر قرن یک نفر به دنیا می آید که دین را

امیاء می کند .

مصدر :

[http://alalbany.net/albany\\_serah.php](http://alalbany.net/albany_serah.php)

13 . شعيب الأرنؤوط (معاصر) :

شعيب الأرنؤوط ، محقق مشهور و معاصر سنی که کتابهای بسیاری ؛ از جمله تهذیب الکمال ، سیر اعلام النبلاء ، مسند احمد و ... را

تحقیق و تصحیح کرده است ، در تحقیق کتاب مسند احمد ، در ذیل حدیث 3062 نکاتی را یادآور می شود و از جمله می گوید :

قوله « من كنت مولاة فعلى مولاة » لها شواهد كثيرة تبليغ مد التواتر .

حدیث : من كنت مولاة فعلى مولاة ، شواهد بسیاری دارد که آن به مرمله تواتر می رساند .

احمد بن حنبل ، مسند أحمد بن حنبل ، (الأحاديث مذيلة بأحكام شعيب الأرنؤوط عليها) ج 1 ، ص 330 ، ذیل حدیث 3062 ،

ناشر مؤسسة قرطبة - القاهرة .

**اعتراف علمای اهل سنت به صحت حدیث غدیر :**

1 . ترمذی از ابو طفیل :

مدثنا محمد بن بشار مدثنا محمد بن جعفر مدثنا شعبة عن سلمة بن كهيل قال سمعت ابا الطفيل يمدث

عن ابي سريمة أو زيد بن أرقم شك شعبة عن النبي صلى الله عليه وسلم قال : «من كنت مولاة فعلى مولاة» .

قال : أبو عيسى هذا حديث مسن صحيح وقد روى شعبه هذا الحديث عن ميمون أبي عبد الله عن زيد بن

أرقم عن النبي صلى الله عليه وسلم وأبو سريمة هو مذيقة بن أسيد الغفاري صاحب النبي .

أبي سريمة و يا زيد بن أرقم (ترديد از شعبه است) از رسول خدا نقل کرده‌اند که آن مضرت فرمود : «هرکس

من مولای او هستم ، پس علی مولای او است» .

این حدیث مسن و صحیح است ، شعبه این روایت را از ميمون بن عبد الله از زيد بن أرقم از رسول خدا صلى

الله عليه واله نقل کرده است . أبو سريمة همان مذيقة بن أسيد غفاری صحابی رسول خدا است .

الترمذی ، محمد بن عيسى أبو عيسى السلمی (متوفای 279هـ) ، سنن الترمذی ، ج 5 ، ص 633 ، ح 3713 ، باب مناقب علی بن أبي طالب رضی

الله عنه ، تحقیق : أحمد محمد شاکر وآخرون ، ناشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت .

محمد ناصر البانی بعد از نقل این روایت می گوید :

أفرجه الترمذی و قال : «حديث مسن صحيح» .

قلت : وإسناده صحيح على شرط الشيفين .

ترمذی آن را نقل کرده و گفته است که این روایت مسن و صحیح است و من می گویم که سند آن با

شرائطی که بفاری و مسلم برای صحت روایت قائل هستند ، صحیح است .

الألبانی ، محمد ناصر ، سلسلة الأحاديث الصحيحة ، ج 4 ، ص 331-332 ، ناشر : مكتبة المعارف - الرياض .

2 . ابن ماجه قزوینی از سعد بن أبي وقاص :

مدتنا علی بن مَمَدٍ ثنا أبو معاوية ثنا موسى بن مسلم عن بن سابط وهو عبد الرحمن عن سعد بن أبي

وقاص قال قدم معاوية في بعض مباته فذمل عليه سعد فذكروا علياً فقال منه فغضب سعد وقال تقول

هذا لرجل سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من كنت مولاه فعلى مولاه وسمعتني يقول أنت مني

بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي وسمعتني يقول لأعطين الراية اليوم رجلاً يحب الله ورسوله .

عبد الرحمن ، معروف به ابن سابط ، از سعد بن ابی وقاص نقل کرده است که در یکی از سالهای حج که

معاویة به مکه رفته بود ، سعد بن ابی وقاص به ملاقات او رفت . در این هنگام ، حاضران برای فوشمال

کردن ، معاویه ، از مضرت علی علیه السّلام بدگویی می‌کردند .

سعد ، از شنیدن نكوهش آنان ، فشمناك شد و گفت : چنین سفنان نابجا و نابفردانه را درباره بزرگواری

می‌گوئید كه فود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود :

«من كنت مولاة فعلیّ مولاة» .

و شنیدم قطاب به مضرت علی علیه السّلام، می‌فرمود:

«انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبيّ بعدي»

و شنیدم كه فرمود:

«لاعطینّ الرایة رجلا یمبّ الله و رسوله ؛

همانا پرچم جنگ را به مردی می‌سپارم كه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست می‌دارد.

ابن ماجه القزوينی ، محمد بن یزید (متوفای 275 هـ) ، سنن ابن ماجه ، ج 1 ، ص 45 ، ح 121 ، باب فضل علی بن ابی طالب رضی الله عنه ،

تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر : دار الفكر - بیروت .

محمد ناصر البانی نیز بعد از نقل روایت می‌گوید :

أفرجه ابن ماجه ( 121 ) . قلت : و إسناده صحيح .

ألبانی، محمد ناصر ، سلسلة الأحاديث الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

### 3 . ابن ماجه قزوينی از براء بن عازب :

مدتنا علی بن مُمَمَدٍ ثنا أبو المُسَیْنِ أَهْبَرْنِي مَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ زَيْدِ بْنِ جُدْعَانَ عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ عَنِ

الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ أَقْبَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَجَبَّةٍ الَّتِي مَجَّ فَنَزَلَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ فَأَمَرَ

الْمَلَائِكَةَ بِأَمْعَةٍ فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا بَلَىٰ قَالَ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ

مِنْ نَفْسِهِ قَالُوا بَلَىٰ قَالَ فَهَذَا وَكُلُّ مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَآلِهِ اللَّهُمَّ عَادِ مِنْ عَادَاهُ .

عدی بن ثابت از براء بن عازب نقل کرده است كه در «مجة الوداع» كه افتخار همراهی با رسول خدا صلی الله

علیه و آله را داشتیم ، در بازگشت ، در یکی از مسیرها دستور داد برای نماز جمع شویم و در آنجا دست علی

علیه السلام را گرفت و فرمود :

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ؟»

آیا من سزاوارتر نیستم به مؤمنان از خود آنها؟ « همگی تصدیق کرده و بله گفتند . باز فرمود :

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ»

آیا من نسبت به تک تک مؤمنان از خود آنها سزاوارتر نیستم ؟ « .

باز هم تصدیق کرده و بله گفتند . سپس اشاره به مضرت علی علیه السلام کرده و فرمود:

«فَهَذَا وَلِيٌّ مِنْ أَنَا مَوْلَاهُ»

اکنون که فرموده مرا تصدیق کردید ، بدانید که علی به هر مؤمنی همان مقام اولویت را دارد که من

نسبت به آن مؤمن دارم.

سپس فرمود : « پروردگارا! دوست علی علیه السلام را دوست بدار ، و دشمن او را فوار و ذلیل فرما » .

ابن ماجه القزوينی ، محمد بن یزید (متوفای 275 هـ) ، سنن ابن ماجه ، ج 1 ، ص 43 ، ح 116 ، فَضْلُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ،

تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر : دار الفكر - بيروت .

البانی بعد از نقل این روایت می گوید :

صحيح .

محمد ناصر الألبانی ، صحيح ابن ماجه ، ج 1 ، ص 26 ، ح 113 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

#### 4 . ابن حجر عسقلانی از امیر مؤمنان علیه السلام :

وقال إسماعيل : أخبرنا أبو عامر العقدي ، عن كثير بن زيد ، عن محمد بن [ عمر ] بن علي عن أبيه ، عن علي

رضي الله عنه قال : إن النبي صلى الله عليه وسلم مضى الشجرة بقم ، ثم فرج آفذا بيد علي رضي الله عنه قال :

« أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَبُّكُمْ ؟ » قالوا : بلى . قال صلى الله عليه وسلم : « أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ

أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَرَسُولَهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ ؟ » . فقالوا : بلى . قال : « فَمَنْ كَانَ

اللَّهُ وَرَسُولَهُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ ، وَقَدْ تَرَكْتُمْ فَيْكُمْ مَا إِنْ أَفْذَلْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى ، سَبَبَهُ بِيَدِي ،



وسبیه بآیدیکم ، واهل بیتی .

مضرت علی علیه السلام فرموده است : رسول خدا صلی الله علیه و آله در زیر درختی در ممل «فم» قرار گرفته بود ، طولی نکشید از زیر درخت بیرون آمده و دست مرا گرفت و فطاب به مردم فرمود : ای مردم ! مگر نه این است که گواهی می‌دهید ، فدای تعالی پروردگار شماست ؟ در پاسخ گفتند : آری ! فرمود : مگر نه این است که گواهی می‌دهید ، خدا و رسول او از جان شما به شما سزاوارترند ؟ و خدا و رسول او مولای شما نیستند ؟ گفتند : آری ! فرمود : بنا بر این ، کسی که خدا و رسول او مولای او هستند ، به راستی این شخص (علی علیه السلام) مولای اوست. اینک ، در میان شما دو اثر ارزنده و گرانبها می‌گذارم که هرگاه به آنها تمسک کنید ، هرگز در منجلاب گمراهی گرفتار نخواهید شد : یکی ، کتاب خدا است که ریسمان استوار میان شما و خدا می‌باشد که یک طرف آن در دست حق تعالی است و طرف دیگرش در اختیار شماست و دیگری ، اهل بیت من است .

ابن حجر بعد از نقل این روایت می‌گوید :

( هذا إسناد صحيح ) ، ومدیث غدیر فم قد أفرج النسائی من رواية أبي الطفيل عن زيد بن أرقم ، وعلی ، وجماعة من الصحابة رضی الله عنهم ، وفی هذا زیادة لیست هناک ، وأصل المدیث أفرجه الترمذی أيضا . سند این روایت صحیح است . مدیث غدیر فم را نسائی از طریق ابو طفیل از زید بن أرقم و نیز از علی علیه السلام و گروهی از صحابه نقل کرده است . در این روایت چیزهای است که در آنها نیست . اصل مدیث را ترمذی نیز نقل کرده است .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علی بن حجر (متوفای 852 هـ) ، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة ، ج 16 ، ص 142 ، ح 3943 ، تحقیق : د. سعد بن ناصر بن عبد العزیز الشتری ، ناشر : دار العاصمة / دار الغیث - السعودیة ، الطبعة : الأولى ، 1419 هـ .

## 5 . احمد بن حنبل از ریاح بن الحرث :

مدثنا عبد الله مدثنی أبی ثنا یمیی بن آدم ثنا منثش بن المرث بن لقیط النفعی الأشجعی عن ریاح بن المرث قال جاء زهط إلى علی بالرمبة فقالوا السلام علیک یا مولانا قال کیف اکون مولاکم وأنتم قوهم عرب قالوا

سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِ يَرْفَعُ يَقُولُ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَاِنْ هَذَا مَوْلَاهُ قَالَ رِيَّاحُ فَلَمَّا مَضَوْا تَبِعْتُهُمْ فَسَأَلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالُوا نَفَرٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فِيهِمْ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ .

نفعی از ریاح بن حارث روایت کرده است که گروهی در رمبه مضور مبارک مضرت علی علیه السّلام شرفیاب شدند ، سلام بر آن مضرت کرده گفتند : «السّلام علیک یا مولانا» مضرت علی علیه السّلام از آنان پرسید : چگونه من مولای شما هستم با آن که شما از گروه عرب می‌باشید ؟ در پاسخ گفتند : به دلیل آن که در روز غدیر خم از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدیم می‌فرمود :

«من كنت فان هذا مولاه»

ریاح گوید : پس از آن که گروه مورد نظر از مضور مبارک مرفّص شدند ، دنبال آنان رفته و از کسانی پرسیدم که اینان از چه تیره‌ای هستند ؟ گفتند : از مردم «انصار» هستند که در میان آن‌ها ابو ایوب انصاری نیز وجود داشت .

أحمد بن حنبل ، أبو عبدالله الشيباني (متوفای 241هـ) ، مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج 5 ، ص 419 ، ح 23609 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .  
البانی بعد از نقل این روایت می‌گوید :

أفرجه أُمَد والطبرانی من طريق منش بن المارث بن لقيط النفعي الأشجعي عن رياح بن المارث .

قلت : وهذا إسناد جيد رجاله ثقات . وقال الهيثمي : « رواه أُمَد والطبرانی ، ورجال أُمَد ثقات » .

البانی ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

این روایت را اُمَد و طبرانی از طریق منش بن حارث بن لقيط از ریاح بن حارث نقل کرده‌اند . نظر من این است که سند این روایت نیکو و روایان آن مورد اعتماد هستند . و هیثمی گفته است که اُمَد و طبرانی آن را نقل کرده‌اند و روایان مسند اُمَد مورد اعتماد هستند .

6 . احمد بن حنبل از ابی طفیل :

مدتنا عبد الله مدتني أبي ثنا مُسَيِّنُ بْنُ مُمَمِّدٍ وَأَبُو نَعِيمٍ الْمَعْنَى قَالَ ثَنَا فِطْرٌ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ قَالَ جَمَعَ عَلِي

رضي الله عنه الناس في الرَّمْبَةِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ أَنْشُدُوا اللَّهَ كُلُّ أُمَّرٍيٍّ مُسَلِّمٍ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

يقول يوم غدیرٍ فمَّ ما سمعَ لَمَّا قامَ فقامَ ثلاثونَ مِنَ الناسِ وقالَ أبو نَعيْمٍ فقامَ ناسٌ كَثِيرٌ فَشَهِدُوا مِینَ أَفْذَهُ بیده فقالَ لِلنَّاسِ أَتَعْلَمُونَ اَنِی اَوْلٰی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ قالوا نعمَ یا رَسولَ اللّٰهِ قالَ من كنتَ مَولاهُ فَهَذَا مَولاهُ اللّٰهُمَّ وَاٰلِ مِنْ وَاٰلَاهُ وَعَادِ مِنْ عَادَاهُ قالَ فَفَرَجَتْ وَكَانَ فِی نَفْسِی شَیْئًا فَلَقِیتُ زَیْدَ بْنَ اَرْقَمَ فَقلتَ لَه اَنِی سمعتَ عَلِیًّا رضی اللّٰهُ عنہ یقولُ كَذَا وَكَذَا قالَ فما تُنكَرُ قد سمعتَ رَسولَ اللّٰهِ صلی اللّٰهُ علیہ وسلم یقولُ ذلكَ له .

فطر بن خلیفه از ابو طفیل نقل کرده است حضرت علی علیه السّلام مردم را در رمبه گرد آورد و فرمود : سوگند می‌دهم هر مرد مسلمانی که غدیر فم را به خاطر دارد و سفری را که در آن روز از رسول خدا صلی اللّٰهُ علیہ و آله شنیده است ، از جای برفیزد . سی تن از مردم برای اقامه شهادت بر پای فاستند . ابو نعیم ، گفته است که گروه بسیاری قیام کردند و اعلام کردند آن هنگام حاضر بودیم که رسول خدا صلی اللّٰهُ علیہ و آله دست امیر المؤمنین علی علیه السّلام را به دست مبارک خود گرفت فطاب به مردم فرمود : آیا می‌دانید که من سزاوارتر به مؤمنان از خود آنها می‌باشم ؟ همگی فرمایش رسول خدا صلی اللّٰهُ علیہ و آله را تصدیق کردند و به همین دلیل بود که رسول خدا صلی اللّٰهُ علیہ و آله فرمود :

«من كنت مولاہ فهذا مولاہ»

و اضافه فرمود : «پروردگارا ! دوست علی را دوست بدار ، و دشمن علی را دشمن بدار .

ابو طفیل گفت : از میان جمع در مالی بیرون رفتم که در فوادم اساس نارامتی می‌کردم ، و در بازگشت از اجتماع مردم ، به دیدار زید بن ارقم رفتم و به او گفتم : از علی چنین و چنان شنیدم و نارامت شدم ! زید گفت : آنچه را که شنیدی انکار مکن ! ؛

زیرا آنچه را که شنیده‌ای من خود از رسول خدا صلی اللّٰهُ علیہ و آله شنیده‌ام ! .

أحمد بن حنبل ، أبو عبدالله الشیبانی (متوفای 241هـ) ، مسند أحمد بن حنبل ج 4 ، ص 370 ، ح 19321 ، ناشر : مؤسسۃ قرطبۃ - مصر .

البانی بعد از نقل این روایت می‌گوید :

أفرجه أحمدا ( 4 / 370 ) و ابن مبان فی " صمیمه " ( 2205 - موارد الظمان ) و ابن أبی عاصم ( 1367 و

1368) و الطبرانی ( 4968 ) و الضیاء فی " المفتاره " ( رقم - 527 بتمقیق ) .

قلت : و إسنادہ صمیم علی شرط البخاری . و قال الهیثمی فی " المجمع " ( 9 / 104 ) : " رواه أحمد و

رجالہ رجال الصمیم غیر فطر بن خلیفہ و هو ثقة " .

این روایت را احمد ، ابن مبان در صمیمش ، ابن ابی عاصم ، طبرانی ، مقدسی در المفتاره که خود آن

را تمقیق کرده ام ، نقل نموده اند .

نظر من این است که این روایت بر طبق شرائطی که بخاری برای صحت حدیث قائل است ، صمیم است .

هیثمی در مجمع الزوائد گفته است که آن را احمد نقل کرده و راویان حدیث احمد ، راویان صمیم بخاری

هستند ؛ غیر از فطر بن خلیفه که او نیز مورد اعتماد است .

البانی ، محمد ناصر ، السلسله الصحیحه ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

#### 7 . احمد بن حنبل از سعید بن وهب و زید بن یسع :

مدتنا عبد الله ثنا علي بن مكيمة الأودي أنبأنا شريك عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب وعن زيد بن يثيع  
قالا نشد علي الناس في الرمبة من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر فم الا قام قال فقام  
من قبل سعيد سته ومن قبل زيد سته فشهدوا انهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لعلي رضي  
الله عنه يوم غدیر فم اليس الله اولى بالمؤمنين قالوا بلى قال اللهم من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال  
من ولاة وعاد من عاداه .

أبو اسحاق از سعید بن وهب و از زید بن یثیع روایت کرده است که هر دو تن گفتند : مضرت علی علیه السلام

در رمبه ، حاضران را سوگند داد که هر کس در روز غدیر فم سمنی در مق من از رسول خدا صلی الله علیه و آله

شنیده است از جا برمیزد . در این هنگام شش تن از کنار سعید و شش تن از پهلوی زید برخواستند و گواهی

دادند که آنان در آنروز از رسول خدا صلی الله علیه و آله در ممل غدیر شنیدند ، خطاب به مردم فرمود :

«أليس الله اولى بالمؤمنين؟»

ماضیان گفتند :

آری ! فدا بر همگی آنان اولویت دارد . به همین دلیل بود که رسول فدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«اللهم من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

فدایا هرکس من مولای او هستم ، علی مولای او است ، فدایا دوست بدار هر کس علی را دوست دارد و

دشمن باش با هر کس که با علی دشمنی کند .

أحمد بن حنبل ، أبو عبدالله الشیبانی (متوفای 241 هـ) ، مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج 1 ، ص 118 ، ح 950 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .

محمد ناصر البانی بعد از نقل این روایت می گوید :

و قد مضى فى المديث الرابع - الطريق الثانية و الثالثة . و إسناد مسن ، و أخرجه البزار بنموه و أتم منه . و

للمديث طرق أفرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيثمى فى " المجمع " ( 9 / 103 - 108 ) .

وقد ذكرت و فرجت ما تيسر لى منها مما يقطع الواقف عليها بعد تمقيق الكلام على أسانيدھا بصمة المديث

يقينا ، و إلا فهى كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة فى كتاب مفرد ، قال المافظ ابن مجر : منها صماج و

منها مسان .

و جملة القول أن مديث التريمة مديث صميج بشرطيه ، بل الأول منه متواتر عنه صلى الله عليه وسلم كما

ظهر لمن تتبع أسانيدھ و طرقھ ، و ما ذكرت منها كفاية .

در مديث چهارم ، طريق دوم و سوم گذشت . سند آن مسن است و بزار به صورت كامل تر آن را نقل کرده

است . علاوه بر آن برای مديث غدیر سندهای بسیاری ذکر شده است که افراد زیادی مانند هيثمى در کتابش

المجمع اسناد آن را ذکر کرده اند ،

ومن آنچه آوردهام به اندازه توانم بوده است که هر کسى پس از آشنائی با اسناد آن يقين به صمت پیدا

می کند و گرنه بسیار بیشتر از آن است که من آوردهام . ابن عقده همه راههای نقل آن را در کتابى مستقل

جمع کرده است و ابن مجر بنا بر بعضى از اسناد ، آن را صميج و بر بعضى از اسناد ، مسن دانسته است .

فلاصه سفن آن که هر دو قسمت این روایت [من كنت مولاة فعلى مولاة ؛ اللهم وال من والاه ] صميج

هستند ؛ بلکه قسمت اول آن به صورت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است ...

البانی ، محمد ناصر ، السلسله الصحیحه ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## 8 . نسائی از زید بن أرقم :

أفبرنا ممد بن المثنى قال مدثنى يمى بن ممد قال مدثنا أبو عوانة عن سليمان قال مدثنا مبيب بن أبى ثابت عن أبى الطفيل عن زید بن أرقم قال لما رجع رسول الله صلى الله عليه وسلم عن مجة الوداع ونزل غدیر فم أمر بدومات فقممن ثم قال كأنى قد دعيت فأجبت و إنى قد تركت فيكم الثقلين أمدهما أكبر من الآفر كتاب الله وعترتى أهل بيتى فأنظروا كيف تفلفونى فيهما فإنهما لن يتفرقا متى یردا على الموض ثم قال إن الله مولای وأنا ولى كل مؤمن ثم أفذ بيد على فقال من كنت ولیه فهذا ولیه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فقلت لزید سمعته من رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال ما كان فى الدومات أمد إلا رآه بعینیه وسمعه بأذنیه .

ابو طفیل از زید بن ارقم نقل کرده است : هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از مجة الوداع

بازمیگشت ، در ممل غدیر فم منزل کرد و به درفتان چندی که در آن نزدیکی بود اشاره کرد . اصماب بلا

فاصله زیر آن درفتها را تمیز کرده و سایبانی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله تشکیل دادند . مضرت

رسول صلی الله علیه و آله در زیر آن سایبان قرار گرفت و قطاب به ماضران فرمود :

روزگار من به پایان رسیده و مرا به سوی خدا و عنایات مضرت او دعوت کرده اند ، دعوت مضرت او را اجابت

کرده ام . اینک ، دو اثر گرانبها در میان شما به جای میگذارم که یکی از آن دو ، مهمتر از دیگری است و آن

دو اثر گرانبهار ، کتاب خدا و عترت اهل بیت من است ؛ اینک بنگرید تا پس از رحلت من با آنها چگونه رفتار

فواهد کرد . بدیهی است این دو یادگار از یکدیگر دور نخواهند شد تا اینکه در کنار موض کوثر با من ملاقات

نمایند . سپس فرمود :

«ان الله مولای و انا ولى كل مؤمن»

سپس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

«من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»

ابو طفیل گوید : از زید پرسیدم : آیا تو از رسول خدا صلی الله علیه و آله این جملات را شنیده‌ای ؟

زید در پاسخ گفت : آری ! همه آن ها که در اطراف درفتان مضور داشتند آن مضرت را دیدند و

سفن ایشان را شنیدند.

النسائی ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفای 303 هـ) ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، ج 1 ، ص 96 ، ح 79 ، تحقیق : أحمد میرین البلوشی ، ناشر : مكتبة المعلا - الكويت الطبعة : الأولى ، 1406 هـ .

حاکم نیشابوری بعد از نقل روایت می گوید :

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بطوله .

این حدیث با شرائطی که بخاری و مسلم در صحت روایت قائل هستند ، صحیح است ؛ ولی آن ها نقل نکرده‌اند

الحاکم النیسابوری ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله (متوفای 405 هـ) المستدرک علی الصحیحین ، ج 3 ص 118 ، تحقیق : مصطفى عبد القادر عطا ، الناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، ط 1 ، 1411 هـ - 1990 م .

ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفای 774 هـ) بعد از نقل روایت می گوید :

قال شيخنا أبو عبد الله الذهبي وهذا حديث صحيح .

ابن کثیر دمشقی ، إسماعيل بن عمر القرشي أبو الفداء ، البداية والنهاية ، ج 5 ، ص 209 ، ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

استاد ما ابو عبد الله ذهبی گفت که این حدیث صحیح است .

9 . نسائی از سعد بن ابی وقاص :

83 أفبرني زكريا بن يمي قال حدثنا نصر بن علي قال أفبرنا عبد الله ابن داود عن عبد الواهد بن أيمن عن

أبيه أن سعدا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كنت مولاه فعلى مولاه .

سعد بن ابی وقاص گفته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هرکس من مولای او هستم ، علی

مولای او است .

النسائی ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفای 303 هـ) ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، ج 1 ، ص 81 ، ح 83 ،

البانی بعد از نقل روایت می گوید :

الثانية [من طريق سعد بن أبي وقاص] : عن عبد الوامد بن أيمن عن أبيه به . أخرجه النسائي في " الفصائل

" و إسناده صحيح أيضا ، رجاله ثقات رجال البخاري غير أيمن والد عبد الوامد و هو ثقة كما في " التقريب " .

البانی ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

روایت دوم از روایت‌های سعد بن ابی وقاص از عبد الوامد بن ایمن از پدرش نقل شده است . این روایت را

نسائی در فصائل نقل کرده و سندش صحیح و راویان آن راویان صحیح بخاری هستند ؛ غیر از پدر عبد الوامد

که او نیز مورد اعتماد است ؛ بنابراین در تقریب التهذیب ابن حجر آمده است .

## 10 . حاکم نیشابوری از زید بن ارقم :

أفبرني ممد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أمم بن مازم الضفاري ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال

سمعت مبيب بن أبي ثابت يفر عن يمي بن معدة عن زيد بن أرقم رضی الله عنه قال فرجنا مع رسول الله

صلی الله علیه وسلم متى انتهينا إلى غدیر فم فأمم بدوع فتسع فی يوم ما أتى علينا يوم كان أشد مرا منه

فممد الله وأثنى علیه وقال يا أيها الناس أنه لم يبعث نبی قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذي كان قبله

وإني أوشك أن أدعى فأجيب وإني تارك فيكم ما لن تضلوا بعده كتاب الله عز وجل ثم قام فأفد بيد علي

رضی الله عنه فقال يا أيها الناس من أولى بكم من أنفسكم ؟ قالوا الله ورسوله أعلم . [قال] : ألسنت أولى

بكم من أنفسكم ؟ قالوا : بلى قال من كنت مولاه فعلى مولاه .

یمی بن معدة از زید بن ارقم روایت کرده است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه فویش ادامه

می‌دادیم تا به غدیر فم رسیدیم . در آن جا درفتی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن درفت اشاره

کرد و اصحاب زیر آن درفت را تمیز و مرتب سافتند و آن روز به اندازه‌ای هوا گرم بود که ما روز گرم و پر

مراستی را مانند آن روز ندیده بودیم .

در آنجا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایراد خطابه پرداخت . پس از حمد و ثنای الهی ، خطاب به



مردم فرمود : هیچ پیغمبری مبعوث نمی‌شود مگر آنکه نیمی از مقدار زندگی پیغمبر پیشین خود را عهده‌دار می‌شود ؛ طویلی نمی‌گشود ، دعوت الهی را اجابت می‌کنم و دو اثر گران سنگ (یا گرانبها) در میان شما به جای می‌گذارم که اگر از فواسته و رویه آنان پیروی نمایید ، هرگز به گمراهی گرفتار نخواهید شد : یکی کتاب فدا و دیگری عذرت من است .

سپس دست علی علیه السلام را به دست گرفت و فطاب به مردم گفت : ای مردم ! چه کسی از جان و مال شما ، از خود شما سزاوارتر است ؟ گفتند : خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله دانایتر و اولیتر به جان و مال است آنگاه فرمود :

«من كنت مولاة فعلی مولاة» .

حاکم نیشابوری بعد از نقل روایت می‌گوید :

هذا مدیث صمیع الإسناد ولم یفرجاه .

و ذهبی نیز در تلخیص المستدرک سخن وی را تأیید می‌کند .

الحاکم النیسابوری ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله (متوفای 405 هـ) المستدرک علی الصحیحین مع تضمینات الذهبی فی التلخیص ، ج 3 ، ص 613 ، ح 6272 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، ط 1 - 1411 هـ - 1990 م .

11 . بزار از زید بن یثیع :

مدثنا یوسف بن موسی قال نا عبید الله بن موسی عن فطر بن فلیفة عن أبی إسحاق عن عمرو ذی مر وعن سعید بن وهب وعن زید بن یثیع قالوا سمعنا علیا یقول نشدت الله رجلا سمع رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول یوم غدیر فم لما قام فقام إلیه ثلاثه عشر رجلا فشهدوا أن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال ألسنت أولى بالمؤمنین من أنفسهم قالوا بلی یا رسول الله قال فأفئذ بید علی فقال من كنت مولاة فهذا مولاة اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأمب من أمبه وأبغض من أبغضه وانصر من نصره واهذل من هذله .

ابو اسحاق از عمرو بن ذی مر ، سعید بن وهب و زید بن یثیع به اتفاق همگان روایت کرده‌اند که از مضرت

علی علیه السّلام شنیدیم ، سوگند می‌داد که اگر کسی از شما از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم آن چه را درباره من فرموده ، شنیده است ، شهادت خود را اعلام نماید . سیزده تن از حاضران از جای برفواستند و شهادت دادند که از آن حضرت صلی الله علیه و آله شنیدیم ، فرمود : مگر نه این که من از جان مؤمنان سزاوارتر از خود آن ها هستم ؟ مردم فرموده آن حضرت را تصدیق کردند .  
در این هنگام دست علی علیه السّلام را گرفت و فرمود :

«من كنت مولاه فعليّ مولاه اللهمّ وال من والاه و عاد من عاداه و امبّ من امبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و ائذل من فئله» .

البزار ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البزار) ج 3 ، ص 35 ، ح 786 ، تحقیق :  
د. محفوظ الرحمن زین الله ، ناشر : مؤسسه علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بيروت ، المدينة الطبعة : الأولى ، 1409 هـ .  
هیثمی بعد از نقل این روایت می گوید :

رواه البزار ورجاله رجال الصمیع غیر فطر بن خلیفه وهو ثقة .

این روایت را بزار نقل کرده و راویان آن راویان صمیع بخاری هستند ، غیر از فطر بن خلیفه که او نیز مورد اعتماد است .

الهیثمی ، علی بن ابی بکر (متوفای 807 هـ) ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 105 ،  
ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407 هـ .

## 12 . بزار از سعد بن ابی وقاص :

مدتثنا هلال بن بشر قال نا محمد بن خالد بن عثمة قال نا موسى بن يعقوب قال نا مهاجر بن مسمار عن عائشة بنت سعد عن أبيها أن رسول الله أفذ بيد علي فقال ( ألسن أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ من كنت وليه فإن عليا وليه .

عائشه دختر سعد از پدرش نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : آیا من از مؤمنین نسبت به خودشان سزاوارتر نیستم ؟ هر کس که من مولای او هستم ، علی

## مولای او است .

البخاری ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البخاری) ج 4 ، ص 41 ، ح 1203 ،  
تحقیق : د. محفوظ الرحمن زین الله ، ناشر : مؤسسه علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بيروت ، المدينة الطبعة : الأولى ، 1409 هـ .  
هیثمی بعد از نقل روایت می گوید :

## رواه البخاری ورجالہ ثقات .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 107 ، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی الوفاة: 807 ،  
ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407 .

این روایت را بخاری نقل کرده و راویان آن مورد اعتماد هستند .

## 13 . ابن ابی عاصم از امیر مؤمنان علیه السلام :

مدتتا سلیمان بن عبید الله الخیلانی ثنا أبو عامر ثنا کثیر بن زید عن محمد بن عمر بن علی عن أبیه عن علی  
أن النبی صلی الله علیه وسلم قام بمفره الشجرة بقم وهو آخذ بيد علی فقال أيها الناس أستم تشهدون أن  
الله ربکم قالوا بلی قال أستم تشهدون أن الله ورسوله أولى بکم من أنفسکم قالوا بلی وإن الله ورسوله  
مولاکم قالوا بلی قال فمن كنت مولاه فإن هذا مولاه .

البانی در ذیل حدیث می گوید :

### مسن .

از علی علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله بر کنده درفتی در غدیر خم ایستاده بود ؛  
در حالی که دست علی علیه السلام به دست او بود . سپس فرمود : ای مردم ! آیا شهادت می دهید که خداوند  
پروردگار شما است ؟ گفتند : آری ، فرمود : آیا شهادت می دهید که خدا و رسول خدا از خود شما بر شما  
سزاوارترند ؟ گفتند : آری ، فرمود : آیا شهادت می دهید که خدا و رسول او سرپرستان شما هستند ، گفتند :  
آری . فرمود : هرکس من مولای او هستم ، این (علی علیه السلام) مولای او است .

عمرو بن أبی عاصم الضحاک الشیبانی (متوفای 287 هـ) السنه ، ج 2 ، ص 605 ، ح 1361 ، تحقیق : محمد ناصر الدین الألبانی ،  
ناشر : المكتب الإسلامی - بيروت ، الطبعة : الأولى 1400 هـ .

4986 حدثنا علي بن عبد العزيز ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال سمعت مبيب بن أبي ثابت يحدث عن  
 يمى بن معدة عن زيد بن أرقم قال فرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم متى انتهينا إلى غدیر فم أمر  
 بدو فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه فممد الله وأثنى عليه وقال يا أيها الناس إنه لم  
 يبعث نبي قط إلا عاش نصف ما عاش الذي كان قبله وإنى أوشك أن أدعى فأميب وإنى تارك فيكم ما لن  
 تفلوا بعده كتاب الله ثم قام وأخذ بيد علي رضي الله عنه فقال يا أيها الناس من أولى بكم من أنفسكم  
 قالوا الله ورسوله أعلم قال من كنت مولاه فعلى مولاه .

یمیی بن معدده از زید بن ارقم روایت کرده است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه خویش ادامه  
 می‌دادیم تا به غدیر خم رسیدیم . در آن جا درختی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن درخت اشاره  
 کرد و اصحاب زیر آن درخت را تمیز و مرتب ساختند و آن روز به اندازه‌ای هوا گرم بود که ما روز گرم و پر  
 حرارتی را مانند آن روز ندیده بودیم .

در آنجا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایراد فطابه پرداخت . پس از حمد و ثنای الهی ، فطاب به  
 مردم فرمود : هیچ پیغمبری مبعوث نمی‌شود مگر آنکه نیمی از مقدار زندگی پیغمبر پیشین خود را عهده‌دار  
 می‌شود ؛ طولی نمی‌کشند ، دعوت الهی را اجابت می‌کنند و دو اثر گران بار (یا گرانبها) در میان شما به جای  
 می‌گذارند که اگر از خواسته و رویه آنان پیروی نمایید ، هرگز به گمراهی گرفتار نخواهید شد: یکی کتاب  
 خداست و دیگری عترت من است .

سپس دست علی علیه السّلام را به دست گرفت و فطاب به مردم گفت : ای مردم ! چه کسی از جان و مال  
 شما ، از خود شما سزاوارتر است ؟ گفتند : خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله دانایتر و اولیتر به جان و مال  
 است آنگاه فرمود :

«من كنت مولاه فعلى مولاه» .

ناشر : مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : حمدى بن عبدالمجيد السلفى .

البانى بعد از نقل این روایت می گوید :

أفرجه الطبرانی ( 4986 ) و رجاله ثقات .

طبرانی آن را نقل کرده و روایان آن مورد اعتماد هستند .

البانى ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## کتابهایی که در باره سند حدیث غدیر نوشته شده :

گسترده‌گی اسناد حدیث غدیر آن چنان بوده است که برخی از دانشوران اهل سنت ، برای جمع آوری تمام آن‌ها مجبور شده‌اند کتاب‌های مستقلی بنویسند که جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد .

### 1 . محمد بن جریر طبری (متوفای 310هـ):

محمد بن جریر طبری از کسانی است که کتاب مستقلی در چهار جلد در باره اسناد این روایت نوشته است ؛ چنانچه ذهبی در باره کتاب او می‌گوید :

جمع طرق حدیث غدیر فم فی أربعة أجزاء رأیت شطره فبهزنی سعةً روایاته وجمعت بوقوع ذلك .

محمد بن جریر طبری اسناد روایت غدیر فم را در چهار جلد جمع آوری کرده است که من قسمت از آن را دیده

و از گسترده‌گی روایات آن شگفت زده شدم و یقین کردم که این اتفاق افتاده است .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، سیر أعلام النبلاء ، ج 14 ، ص 277 ،

تحقیق : شعيب الأرنؤوط و محمد نعیم العرقسوسی ، ناشر : مؤسسه الرسالة - بیروت ، التاسعة ، 1413 هـ .

و در تذکره الحفاظ در ترجمه محمد بن جریر طبری می‌نویسد :

قلت رأیت مجلدا من طرق المديث لابن جریر فاندعشت له ولكثرة تلك الطرق .

من یک جلد از کتاب اسناد حدیث غدیر را که ابن جریر نوشته بود را دیده و از زیاد بودن اسناد آن گیج و

مبهوت شدم .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، تذکره الحفاظ ج 2 ، ص 710 ، رقم : 728 ،

ناشر : دار الكتب العلمية - بیروت ، الأولى .

و ابن كثير سلفی نیز در البداية والنهاية می گوید :

وقد رأيت له كتابا جمع فيه أماديث غدير فم في مجلدين ضفمين وكتابا جمع فيه طريق مديث الطير

کتابی از ابن جریر طبری را دیده که در آن امامدیث غدیر فم را گردآوری کرده بود که دو جلد ضمیم بود . و

نیز طبری کتاب دیگری دارد که در آن اسناد مديث طير را گردآوری کرده است .

البدایة والنهاية، ج 11، ص 147، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاء: 774، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت .

## 2 . أبو العباس ابن عقده (333هـ) :

وقد استوعبها بن عقده في كتاب مفرد وكثير من اسانيدھا صماص ومسان

ابن عقده روایات غدیر را در کتاب مستقلی جمع آوری کرده است که بسیاری از اسناد آن صمیم

و مسن هستند .

ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل الشافعی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 7، ص 74،

ناشر: دار المعرفة - بيروت، تحقیق: محب الدین الخطیب .

و در تهذیب التهذیب می نویسد :

واعتنی بجمع طرقه أبو العباس بن عقده فأفرجه من مديث سبعین صمايا أو أكثر.

أبو العباس بن عقده تمام اسناد مديث غدیر را جمع آوری کرده که در آن روایت بیش از هفتاد صمابی و یا

بیشتر را نقل نموده است .

ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل الشافعی، تهذیب التهذیب، ج 7، ص 297،

ناشر: دار الفكر - بيروت - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى .

## 3 . شمس الدين ذهبی (متوفای 748هـ) :

وی در تذكرة الحفاظ در باره حدیث طير و حدیث غدیر می نویسد :

واما مديث الطير فله طرق كثيرة جدا قد افردتها في مصنف ومجموعها هو يوجب ان يكون المديث له أصل

واما مديث من كنت مولاه فله طرق جيدة وقد أفردت ذلك أيضا .

برای مديث طير اسناد زیادی است که من آن را در کتاب مستقلی جمع آوری کرده ام ، مجموع آنها سبب

می‌شود که حدیث واقعیت داشته باشد .

و اما حدیث غدیر نیز اسناد فوہی دارد کہ برای او نیز کتاب مستقلی نوشته‌ام .

تذکرۃ الحفاظ ، ج 3 ، ص 1043 ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدین محمد الذهبی الوفاء: 748 ،

ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة : الأولى .

## نتیجه :

حدیث غدیر نه تنها با سندهای صحیح نقل شده است ؛ بلکه به اعتراف بزرگان اهل سنت متواتر است و حتی کتاب‌های مستقلی در باره آن توسط علمای سنی نوشته شده است ؛ اما پذیرش و اعتراف به آن نیازمند قلب سلیم ، تقوا و انصاف است که متأسفانه برخی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام ؛ از جمله ابن تیمیه حرانی و ابن حزم اندلسی از داشتن آن محروم بوده‌اند .

ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان در باره ابن تیمیه و انصاف آن در نقد احادیث ، می‌نویسد :

لکن وجدته كثير التماثل إلى الغاية في رد الأحاديث التي يوردها بن المطهر وان كان معظم ذلك من

الموضوعات والواهيات لكنه رد في رده كثيرا من الأحاديث الجياد التي لم يستمضر ماله التصنيف مظانها .

ابن تیمیه در ردّ احادیثی که علامه هلی به آن استدلال کرده است زیاده روی نموده است تا آنجا که احادیث

فوب و معتبر فراوانی را رد کرده است.

لسان المیزان ، ج 6 ، ص 319 ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی الوفاء: 852 ،

ناشر : مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - 1406 - 1986 ، الطبعة : الثالثة ، تحقیق : دائرة المعارف النظامیة - الهند .

و در فتح الباری می‌نویسد :

وأكثر بن تیمیة في كتاب الرد علی بن المطهر الرافضی المؤافاة بین المهاجرین وفصوصا مؤافاة النبی صلی

الله علیه وسلم لعلی قال لأن المؤافاة شرعت لإرفاق بعضهم بعضا ولتألیف قلوب بعضهم علی بعض فلا

معنی لمؤافاة النبی لأمد منهم ولا لمؤافاة مهاجرى لمهاجرى وهذا رد للنص بالقیاس وإغفال عن مکمة

المؤافاة .

ابن تیمیه در کتابش که رد بر علامه هلی است داستان عقد برادری بین مهاجران مفصوصاً بین رسول خدا و

علی را انکار کرده و می‌گوید : فلسفه عقد افوت برای تألیف دل‌ها و ایجاد محبت و دوستی بین دو نفر

تشریح شد ؛ ولی بین دو مهاجر و شفص رسول خدا بی معنی است .

این این مرفها را کسی می زند از مکمت این دستور بی فبر است .

فتح الباری شرح صحیح البخاری ، ج 7 ، ص 271 ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی الوفاة: 852 ،

ناشر : دار المعرفة - بیروت ، تحقیق : محب الدین الخطیب .

و البانی وهابی ، هدف خود را از بررسی سند حدیث غدیر ، زیاده روی ابن تیمیه در تضعیف این روایت دانسته و می گوید :

فقد كان الدافع لتمرير الكلام على المديث و بيان صمته ، أننى رأيت شيخ الإسلام بن تيمية ، قد ضعف الشطر

الأول من المديث و أما الشطر الآخر ، فزعم أنه كذب ! و هذا من مبالغته الناتجة في تقديرى من تسرعه في

تضعيف الأحاديث قبل أن يجمع طرقها و يدقق النظر فيها و الله المستعان .

غرض من از تشریح حدیث غدیر و بیان صمت آن، تضعیف ابن تیمیه بفش اول (من كنت مولاه فعلى

مولاه) و دروغ دانستن بفش دوّم (اللهمّ وال من والاه...) آن است ، این زیاده روی ابن تیمیه و عجله در

تضعیف احادیث قبل از مطالعه در اسناد متعدد روایت و دقت نظر در صمت و سقم آن است .

البانی ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 .

آنچه ما نقل کردیم ، مختصری از اعترافات بزرگان سنی و صحه گذاشتن آنها بر حدیث غدیر بود ، برای اطلاع بیشتر به کتاب الغدیر

، ج 1 ، ص 294 مراجعه فرمایید . علامه امینی رضوان الله تعالى علیه 43 نفر از دانشمندان سنی را نام می برد که تصریح به صحت

حدیث غدیر کرده اند .

**الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية علي بن أبي طالب عليه السلام**

**والسلام على من اتبع الهدى**